

بررسی جایگاه نرخ سود سپرده‌های بانکی در مقابله با تورم جناب آقای شریف ادیب سلطانی

اقتصاددان

موضوع این سخنرانی بررسی نرخ سود سپرده‌های مدت‌دار و نرخ کارمزد بانکی است. چنانکه می‌دانیم نرخ سودی که بانکهای تجاری ما به سپرده‌گذاران می‌پردازند پائین‌تر از نرخ تورم است و به همین دلیل مدتهاست که مورد اعتراض سپرده‌گذاران قرار دارد.

شکایت سپرده‌گذاران با توجه به کاهش مداوم قدرت خرید پول کاملاً موجه است، زیرا افزایش سریع قیمتها در چند سال اخیر نرخ حقیقی سود بانکی را منفی ساخته است: تنها قدرت خرید سود نیست که کاهش می‌یابد بلکه قدرت خرید اصل سپرده‌ها نیز تحلیل می‌رود.

برای مثال، اگر کسی در آغاز ۱۳۷۰ مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ تومان برای پنج سال به بانک می‌سپرد، قدرت خرید آن و قدرت خرید سودی که بدان تعلق گرفته تا پایان سال ۱۳۷۴، یعنی ظرف پنج سال به ۶۹،۳۲۸ تومان تقلیل می‌یافت (جدول شماره ۱). سپرده‌گذار پس از پنج سال نه تنها سودی به دست نمی‌آورد، بلکه ۳۰،۶۷۲ تومان قدرت خرید از دست می‌داد.

در مقابل، اگر کسی در آغاز ۱۳۷۰ مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ تومان از بانک وام می‌گرفت و متعهد می‌شد که سالانه ۲۵ درصد که تقریباً حداکثر نرخ کارمزد در مورد تسهیلات بانکی است بپردازد. ظرف پنج سال مبلغی معادل ۹۴،۵۱۲ تومان با محاسبه کارمزد سالانه به بانک می‌پرداخت. یعنی ۵،۴۸۸ تومان قدرت خرید اضافی به دست می‌آورد (جدول شماره ۲).

بر اساس همین جدول ۲، بانک اگر حداکثر کارمزد را از وام‌گیرنده دریافت می‌کرد (۲۵ درصد)، فقط تا شروع سال پنجم می‌توانست امیدوار باشد که قدرت خرید وامی که به وام‌گیرنده پرداخته از آسیب قیمتها مصون می‌ماند. اگر وام پنج ساله یا بیشتر بود، بانک حتماً ضرر می‌کرد.

پس جای تعجب نیست که تقاضا برای تسهیلات بانکی از مقدمات سیستم بانکی فراتر رود، زیرا وام‌گیر قدرت خرید بیشتر می‌گیرد و کمتر بازپس می‌دهد، درست عکس آنچه در مورد سپرده‌گذار صورت گرفت. سپرده‌گذار متضرر، و وام‌گیر منتفع می‌گردد. البته بانک هم در این میان بی‌بهره نمی‌ماند.

ولی تنها سپرده‌گذاران نیستند که از این وضع ناخرسند و خواستار افزایش نرخ سود بانکی اند. گروهی از اقتصاددانان نیز نرخ فعلی سود بانکی را برای سپرده‌گذاران ناعادلانه و برای اقتصاد کشور زیان‌آور می‌دانند. از این رو خواستار افزایش سود بانکی‌اند تا قدرت خرید سپرده‌گذاران از تطاول مصون بماند و پس‌انداز تشویق شود و راه برای سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بدون تورم یا با تورم اندک هموار گردد، زیرا چنانکه می‌دانیم هنگامی که سرمایه‌گذاری از پس‌انداز پیشی گیرد تورم یا به میان می‌گذارد. پس اگر هدف سیاست اقتصادی توسعه بدون تورم یا تورم اندک باشد، باید مصرف کاهش و پس‌انداز افزایش یابد و یک راه افزایش پس‌انداز به نظر این اقتصاددانان، افزایش نرخ سود بانکی است.

کاهش قدرت خرید خاص سود بانکی نیست؛ همه درآمدهای ثابت در معرض این زیان قرار دارند. ولی آسیب‌پذیری اصل پول بر اثر تورم، سود بانکی را از سایر درآمدهای ثابت متمایز می‌سازد. بنابراین طبیعی است اولین راه‌حلی که برای مقابله با آن به ذهن می‌رسد افزایش نرخ سود بانکی باشد. ولی این راه‌حل ممکن است نه به نفع سپرده‌گذار باشد و نه به مصلحت اقتصاد کشور.

اولاً بسیار محتمل است بالا بردن سود بانکی خود عاملی تورم‌زا باشد که به زیان سپرده‌گذاری است که ما قصد حمایت از او را داریم. سپرده‌گذار در کوتاه‌مدت ممکن است از افزایش نرخ سود بانکی منتفع شود، لیکن به محض اینکه قوای بازار برای جذب سود اضافی به کار افتاد، اثر آن در بهبود وضع سپرده‌گذار کاهش می‌یابد و سرانجام از میان می‌رود.

ثانیاً پس‌انداز در تحلیل نهائی تابع درآمد است و همیشه تابع نرخ سود نیست. به عبارت دیگر باید نخست درآمدی در کار باشد که بتوان بخشی از آن را پس‌انداز کرد. نرخ سود بانکی را در حقیقت می‌توان مبنائی برای جایگزینی دارائی‌ها در همان یک دارائی نسبت به دارائی دیگر به شمار آورد.

در این که نرخ فعلی سود بانکی بر مبنای حقیقی، یعنی قدرت خرید، ناعادلانه است حرفی نیست و کشور ما هم مسلماً تنها کشوری نیست که با این معضل روبروست. کشورهای دیگر هم هستند که برای حمایت از سپرده‌گذاران نرخ سود بانکی را به حدی نامتداول بالا برده‌اند. مثلاً طی ماه ژوئن همین امسال (۱۹۹۶) روسیه نسبت به ژوئن پارسال ۵۰/۲ درصد تورم داشت و نرخ سود کوتاه مدت ۱۱۰ درصد بود که افزایش قیمت‌ها را سخاوتمندانه جبران می‌کرد. ترکیه ۸۲/۹ درصد تورم

داشت. نرخ سود کوتاه مدتش ۸۸ درصد بود. ولی ونزوئلا ۱۰۸/۱ درصد تورم داشت و نرخ سود کوتاه مدتش ۲۲/۷۴ درصد بود. (ارقام از اکونومیست لندن شماره نهم اوت ۱۹۹۶ صفحه ۱۰۰).

افزایش نرخ سود بانکی به تناسب افزایش قیمتها در واقع قسمتی از برنامه‌ای که در برخی از کشورها زیر عنوان شاخص‌بندی (Indexation) مورد آزمایش قرار گرفته است. شاخص‌بندی یک نظام پولی است که در آن مزد و حقوق، سود بانکی، حقوق بازنشستگی، اصل و سود اوراق قرضه دولتی و برخی درآمدهای ثابت دیگر بر اساس شاخص هزینه زندگی تعدیل می‌شوند. شاخص‌بندی ابداع تازه‌ای نیست و برمی‌گردد به اواخر قرن هیجدهم و دقیقاً به ۱۷۹۸ که Sir George Shuckburg Evelyn آن را مطرح کرد. بعدها در ۱۸۲۲ Joseph Lowe در کتاب خود تحت عنوان

The Present State of England in regard to Agriculture Trade and Finance

استفاده از شاخص را برای حفظ ارزش پول توصیه کرد (Joseph Schumpeter, *History of Economic Analysis*, P. 526). Stanley Jevons نیز از ۱۸۶۵ استفاده از شاخص را مطرح ساخت. شومپتر، همان ماخذ، صفحه ۱۰۹۳) Laspeyres شاخص معروف خود را در ۱۸۶۴ عرضه کرد. Pigou, walras, Edgeworith هم از آن سخن گفتند. ولی شاخص‌بندی با پیچیدگی و ظرافت امروزی از نوآوری‌های قرن بیستم است که ایروینگ فیشر در ۱۹۲۲ آن را عرضه کرد و سپس فریدمن و Giersch هر دو در ۱۹۷۴ به طرفداری از شاخص‌بندی گسترده پرداختند با این اختلاف مهم که فیشر منکر تورم‌زائی شاخص‌بندی نبود، ولی فریدمن و «گریش» مخالف این نظر بودند که شاخص‌بندی موجب دوام تورم می‌گردد

The New Palgrave Dictionary, "Money & Finance, N. Y. 1994, P. 338

نظام شاخص‌بندی به طور تلویحی متضمن این معناست که دولت و مقامات پولی تورم را به عنوان یک واقعیت پذیرفته‌اند و به جای رویارویی مستقیم با آن در صدد سازش با آثار آنند. ولی تجربه آرژانتین و برزیل و فلسطین اشغالی نشان می‌دهد که شاخص‌بندی چه به صورت گسترده و چه به صورت محدود هرگز درکاهش یا تثبیت قیمتها یا حتی کاهش سرعت تورم موفق نبوده است. بالعکس خود آن یک عامل تورم‌زاست، زیرا عامل اصلی تورم، یعنی عرضه پول را، به جای آنکه مهار کند افزایش می‌دهد. افزایش عرضه پول که جزء مهمی از نقدینگی است میل به مصرف را بالا می‌برد و این پدیده در قبال عرضه انعطاف‌ناپذیر یا عرضه با انعطاف ضعیف موجب دور جدیدی از افزایش قیمتها می‌گردد. در واقع، به جای اتخاذ سیاست یا سیاستهایی در راستای کاهش تقاضا، مکانیزم شاخص‌بندی تقاضای خفته را به صورت مؤثر درمی‌آورد و آن را افزایش می‌دهد.

تا آنجا که نرخ سود بانکی در مورد سپرده‌های مدت‌دار مطرح است، موضوع از دو زاویه می‌تواند

مورد بررسی قرار گیرد، یکی افزایش نقدینگی، و دیگری افزایش پس‌انداز.

در مورد افزایش نقدینگی از طریق افزایش عرضه پول باید به عرض برسانم سودی را که بانکها می‌پردازند خلق می‌کنند. یعنی این پول قبلاً وجود نداشت و بانکها آن را به وجود می‌آورند. بنابراین در شرایط مساوی، یعنی اگر نقدینگی و پول و شبه پول را که اجزاء متشکله آنند ثابت فرض کنیم. وقتی بانکها نرخ سود سپرده‌های مدت‌دار را بالا برند، در حقیقت عرضه پول و نقدینگی را بالا می‌برند. حال اگر عرضه کل انعطاف‌ناپذیر یا انعطافی ضعیف داشته باشد. این عمل تورم‌زا است. مثلاً، در پایان سال ۱۳۷۳ جمع سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار در بانکهای تجاری به ۲۲/۵۱۷ میلیارد ریال بالغ می‌گشت. حال اگر بانکهای تجاری نرخ سود را در آن سال بالا می‌بردند و فرض کنیم آن را از میانگین ۱۵ درصد^۱ به ۳۰ درصد افزایش می‌دادند، نتیجه این بود که پرداختی بانکها دو برابر می‌شد، یعنی از ۳/۳۷۷ میلیارد ریال بابت سود به ۶/۷۵۵ میلیارد افزایش می‌یافت. افزایش ۳/۳۷۷ میلیارد برابر بود با ۴۷ درصد افزایش بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی، ۱۱ درصد عرضه پول و تقریباً ۵/۵ درصد نقدینگی. افزایش چنین رقمی، اگر تحقق می‌یافت، تورم را دامن می‌زند و این امر برای سپرده‌گذارانی که خواستار حفظ قدرت خرید پول‌اند، نقض غرض می‌بود.

نکته جالب اینست که ۵۰ درصد نرخ سود در بازار آزاد خارج از سیستم بانکهای تجاری تورم‌زا نیست. دلیل آن ماهیت بده و بستان سود در بازار آزاد است که انتقال است از وام‌گیرنده به وام‌دهنده. پولی ایجاد نمی‌شود که مانگران ماهیت تورمی آن باشیم. این سود بالای بازار آزاد مسلماً در هزینه تولید ارباب کسب و کار مؤثر است. ولی در شرایط مساوی در نقدینگی اثری ندارد، و تورم‌زا نیست. و اما اثر افزایش نرخ سود روی پس‌انداز. این اثر در کشورها و جوامع بشری یکسان نیست. اثر آن در کشورهای توسعه نیافته با درآمد نازل با اثر آن در کشورهای توسعه یافته با درآمد بیشتر و بالا متفاوت است. اگر درآمد خانوار در سطحی چنان نازل باشد که بتواند چیزی از آن را پس‌انداز کند، چنانکه در اکثر کشورهای توسعه نیافته این پدیده ملاحظه می‌شود، افزایش نرخ سود قادر به افزایش پس‌انداز نیست. این بدان معناست که در آمد بالا آن قدر باشد که بتوان قسمتی از آن را پس‌انداز کرد، نرخ سود بانکی هرچه می‌خواهد باشد. به عبارت دیگر اگر درآمد اکثریت مردم در سطح حداقل معاش باشد، به سختی می‌توان از اثر سود بانکی به افزایش پس‌انداز سخن گفت. ولی به تدریج که درآمد افزایش می‌یابد، پس‌انداز نیز احتمالاً افزایش خواهد یافت و به دنبال افزایش درآمد، حساسیت به نرخ سود بانکی بیشتر می‌شود.

مطالعاتی که توسعه سه تن از کارشناسان صندوق بین‌المللی پول به عمل آمده است

(Reinhart, Ostry, Ogaki) نشان می‌دهد که حساسیت پس‌انداز به نرخ حقیقی سود بانکی در کشورهای ثروتمند ۱/۹ برابر کشورهای فقیر است.^۱

ولی توزیع درآمد نیز در حساسیت پس‌انداز به نرخ سود مؤثر است. در جوامعی که توزیع درآمد متمرکز باشد، یعنی فاصله بین درآمد اکثریت مردم با درآمد بالای اقلیت زیاد باشد، حساسیت پس‌انداز به نرخ سود در سطح کلان ضعیف است و این کیفیت می‌رساند که عکس‌العمل یا حساسیت پس‌انداز تنها معلول درآمد و نرخ حقیقی سود نیست، بلکه توزیع درآمد هم در این حساسیت نقشی دارد.

حال اگر نسبت سپرده‌های کوتاه‌مدت به هزینه ناخالص داخلی را به قیمت جاری با نرخ سود کوتاه‌مدت مقایسه کنیم، می‌بینیم که علی‌رغم افزایش سود کوتاه‌مدت از ۶/۵ درصد در ۱۳۷۰ به ۷/۵ درصد در ۱۳۷۱، نسبت این سپرده‌ها از ۱۳/۶ درصد در ۱۳۷۰ به ۱۲/۲ درصد در ۱۳۷۱ کاهش یافت. و با وجود افزایش نرخ از ۷/۵ به ۸ درصد در سال ۱۳۷۲ نسبت این سپرده‌ها به هزینه ناخالص داخلی از ۱۲/۲ درصد در ۱۳۷۱ به ۱۱ درصد در ۱۳۷۲ تنزل یافت و با آنکه از آن تاریخ تا به حال نرخ کوتاه مدت در ۸ درصد ثابت مانده است، نسبت مزبور در ۱۳۷۴ به ۸/۲ درصد رسید که در مقایسه با ۱۳۷۰ ۵/۴ واحد درصد کمتر است (جدول ۵).

همین روند در مورد سپرده‌های بلندمدت نیز دیده می‌شود. نسبت این سپرده‌ها به هزینه ناخالص داخلی از ۹/۸ درصد در ۱۳۷۰ به ۷/۳ درصد در ۱۳۷۴ افت کرد و حال آنکه میانگین نرخ سود بلندمدت از ۱۲ درصد در ۱۳۷۰ به ۱۷ درصد در ۱۳۷۴ رسید (جدول ۳).

توجه این پدیده را باید اولاً در انگیزه حفظ قدرت خرید (hedging) جستجو کرد. به احتمال زیاد روی آوردن به خرید کالاهایی که ارزش آنها همراه یا سریع‌تر از هزینه زندگی در طول زمان افزایش می‌یابد، مانند طلا و ارز و زمین و مستغلات و فرش، عامل مهمی در کاهش نسبت سپرده‌های مدت‌دار به هزینه ناخالص داخلی بوده است. ثانیاً افزایش قیمت‌ها و همچنین بالا رفتن تقاضای مصرف‌کنندگان، یا به عبارت دیگر، افزایش تمایل به مصرف عامل مهم دیگری است که نباید از نظر دور داشت. ثالثاً افزایش جمعیت که در سطح کلان مصرف را مسلماً بالا برده است.

نسبت سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار به نقدینگی نیز روندی مشابه نسبت این سپرده‌ها به

1- Ogaki, J. D. Ostry, and C.M. Reinhart, "Saving Behavior in Low and Middle Income Developing Countries: A Comparison IMF Staff papers. J.D. Ostry and C.M. Reinhart Saving and the Real Interest Rate in Developing Countries. Finance and Development, December 1995, P. 19

هزینه ناخالص داخلی داشته است (جدول ۶). سپرده‌های کوتاه‌مدت از ۲۵/۹ درصد در ۱۳۶۹ به ۱۷/۷ درصد در ۱۳۷۴ رسیده و تقریباً به طور مداوم کاهش یافته و سپرده‌های بلندمدت نیز از ۱۶/۳ در ۱۳۶۹ به ۱۵/۷ درصد در ۱۳۷۴ رسیده است که بالطبع سهم نسبی مجموع سپرده‌های مدت‌دار را در نقدینگی کاهش داده و از ۴۲/۲۰ درصد به ۳۳/۴۰ درصد از ۱۳۷۴ پائین آورده است. برداشت دیگر محاسبه تغییرات سال به سال متغیرهای پولی از ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۰ است (جدول ۷).

با آنکه تعداد سالها اندک است، میان تغییرات سال به سال تا حدی هم‌آهنگی وجود دارد. ولی روند تغییرات هیچ یک از این متغیرها نمی‌تواند تاثیر افزایش نرخ سود بانکی را به حدس قاطع مسلم سازد. تنها سالی که تغییرات سال به سال سپرده‌ها در قبال نرخ سود حساسیت نشان می‌دهد سال ۱۳۷۴ به سال ۱۳۷۳ است که سود بانکی بلندمدت از ۱۶ درصد در ۱۳۷۳ به ۱۸/۵ درصد و میانگین بلندمدت از ۱۵ درصد در سال به ۱۷ درصد افزایش یافت. ولی این فقط یک سال بود و تحول یک سال را نمی‌توان مبنای یک حکم کلی قرارداد، مخصوصاً اگر نرخ سود حقیقی بلندمدت را در نظر بگیریم که از ۹/۹ درصد در ۱۳۷۰ همواره رو به کاهش بوده و به ۴/۶ درصد در ۱۳۷۴ رسیده است (جدول ۸).

بنابراین بسیار احتمال دارد که جهش سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت و هم چنین تغییرات سپرده‌های کوتاه‌مدت، علی‌رغم نرخ سود بانکی در ۸ درصد از ۱۳۷۲ تاکنون معلول عوامل دیگری غیر از نرخ سود باشد. مثلاً در ۱۳۷۳ معاملات ارزی آزاد بود و نرخ مبادله ارز خارجی به طور مداوم در قبال ریال بالا می‌رفت. از این رو قسمتی از منابع پولی در بازار آزاد ارز دست به دست می‌گشت. وقتی در اردیبهشت ۱۳۷۴ بانک مرکزی سیاست کنترل شدید ارزی را اتخاذ کرد. قسمتی از وجوهی که برای اسپیکولاسیون نگاهداری می‌شد راهی بانکها به صورت سپرده مدت‌دار شد.

پس چه باید بکنیم؟

تا آنجا که به سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار مربوط است، دو مساله در پیش روی ماست: یکی حفظ قدرت خرید سپرده‌گذار که واقعاً یک مساله اخلاقی است، و دیگری تشویق مردم به پس‌انداز کردن و آسان ساختن رشد اقتصادی کشور که اقتصادی است. اگر ما در حل مساله اول موفق شویم، مساله دوم نیز قابل حل است.

این روزها در کشور ما بانکهای تجاری هرکدام یک شرکت سرمایه‌گذاری تاسیس کرده‌اند که در دهها شرکت تولیدی سهم عمده و حتی در برخی از آنها سهم کنترل کننده دارد. برای احقاق حق مردم یعنی حفظ پس‌اندازشان در مقابل از دست دادن قدرت خرید از یک طرف، و بنابراین تشویق

آنان به پس انداز کردن از طرف دیگر، بانکها می توانند به میزانی که سپرده های مدت دار بر اثر افزایش قیمتها در طی زمان قدرت خرید از دست می دهند، یعنی معادل زیان سپرده گذار، از سهام شرکت های سرمایه گذاری خود به قیمت جاری این سهام در بورس به طور رایگان به سپرده گذار سهم واگذار کنند.

محاسبه زیان سپرده گذار بر اساس شاخص هزینه زندگی (کالا و خدمات مصرفی) که بانک مرکزی تدوین می کند خواهد بود. مثلاً، همان طور که جدول ۱ نشان می دهد، سپرده گذار یک صد هزار تومانی پس از پنج سال از ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ معادل ۳۰/۶۷۲ تومان قدرت خرید از دست داده است. برای جبران این ضرر، اگر قیمت جاری سهام یک صد تومانی مثلاً ۲۰۰ تومان باشد، بانک می تواند ۱۵۳ سهم از سهام شرکت سرمایه گذاری خود را در راس پنج سال به قیمت اسمی به سپرده گذار واگذار کند. حال اگر سپرده گذار سپرده خود را برای یک سال نگاهدارد که سود آن در ۱۳۷۰، ۹ درصد بود، تعداد سهامی که به او تعلق می گیرد به این شرح است:

$$\frac{109,000}{130.7} = 90,306 \text{ تومان} \quad \text{بابت اصل و بهره}$$

$$100,000 - 90,306 = 9,694 \text{ تومان} \quad \text{زیان سپرده گذار}$$

$$\frac{9,694}{48} = 202 \text{ سهم} \quad \text{تعداد سهامی که به سپرده گذار تعلق می گیرد}$$

به این ترتیب برای جبران ۹/۶۹۴ تومان زیان سپرده گذار، بانک می تواند چهار و هشت سهم از سهام شرکت سرمایه گذاری خود را به او واگذار کند، البته به طور رایگان.

اینجا دو سؤال پیش می آید: یکی اینکه ممکن است کل سرمایه و سهام شرکت سرمایه گذاری بانک برای جبران خسارت سپرده گذارانی نباشد و دیگر اینکه بهای این سهام را از کجا باید تامین کند. پاسخ سؤال اول اینست که شرکتهای تحت پوشش بانک به یمن رونق اقتصادی اکثرشان افزایش سرمایه دارند، و این افزایش سرمایه علی القاعده باید در سرمایه شرکت سرمایه گذاری منعکس گردد، یعنی مبنای افزایش آن قرار گیرد. علاوه بر آن قیمت سهام در بورس افزایش یابد و بالتجربه تعداد سهامی که به سپرده گذار به طور رایگان واگذار می شود کمتر شود. در هر حال این پیشنهاد مستلزم مطالعه خاصی است تا در آن کلیه جوانب کار موشکافی گردد.^۱

و اما به پاسخ سؤال دوم، یعنی اینکه بانک بهای این سهام را از کجا باید تامین کند. در این باره

۱- پس از استماع سخنرانی حضرت آیت الله حائری، این اندیشه به ذهنم راه یافت که زیان سپرده گذار را با سکه های بهار آزادی نیز می توان جبران کرد. با وجود این، سهام شرکت های سرمایه گذاری این فائده جنبی را نیز دارد که عده کثیری از مردم را صاحب سهم می سازد.

باید توجه داشت که وام‌گیران، بر اثر افزایش قیمت‌ها، همواره بر اساس حقیقی کارمزد بسیار کمتری به بانک می‌پردازند تا آنجا که اگر سررسید وامشان به اندازه کافی دور باشد، مقداری قدرت خرید اضافی نیز به دست می‌آورند (جدول ۲). بنابراین، اقدام منطقی اینست که بانکها کارمزد خود را در مورد تسهیلات بانکی افزایش دهند. البته با سرعتی که قیمت‌ها بالا می‌رود به اشکال می‌توان نرخ کارمزد را یک باره از ۲۵ درصد مثلاً به ۴۰ درصد افزایش داد. این کار باید به طور تدریجی ولی با فواصل کوتاه صورت گیرد. از این راه، زیان بانک (بر اثر کاهش قدرت خرید تسهیلات) جبران می‌شود.

مثلاً، مانده بدهی بخش غیردولتی به سیستم بانکی در پایان سال ۱۳۷۳ ۳۷،۷۱۹/۸ میلیارد بود. اگر فرض کنیم، و این فرض بسیار سخاوتمندانه است. سیستم بانکی ۲۵ درصد کارمزد دریافت کند، در پایان سال ۹،۴۲۹/۹۵ میلیارد کارمزد عاید سیستم بانکی می‌شود که با ۳۷،۷۱۹/۸ میلیارد مانده بدهی بخش غیردولتی به ۴۷،۱۴۹/۷ میلیارد بالغ می‌گردد. قدرت خرید حقیقی این مبلغ با توجه به اینکه شاخص قیمت‌ها (کالا و خدمات مصرفی) ۴۹/۴ درصد افزایش یافت فقط ۳۱،۵۵۹/۴ میلیارد بود $(\frac{47/149/7}{149/4} \times 100 = 31/559/4)$ از این رو، وام‌گیران بخش غیردولتی نه تنها کارمزدی نپرداخته‌اند، بلکه ۶۱۶۰/۴ میلیارد قدرت خرید، آنهم با فرض سخاوتمندانه ۲۵ درصد کارمزد. به دست آورده‌اند و این همان زیان سیستم بانکی است که به طور رایگان به جیب وام‌گیران رفته است. پس سیستم بانکی، نه برای کسب سود بلکه صرفاً برای حفظ دارائی خود لازم بود نرخ کارمزد را لااقل به ۵۰ درصد بالا برد که البته کار آسانی نیست و همان طور که قبلاً اشاره شد باید به طور تدریجی صورت گیرد.

بالا بردن نرخ کارمزد در مورد تسهیلات بانکی، به شرط آنکه سیستم بانکی با مقاومت طرفهای ذینفع مواجه نشود، مزیت بزرگ دیگری نیز دارد و آن کاهش تقاضا برای این تسهیلات و تا حدی جلوگیری از افزایش سریع نقدینگی است که در کند ساختن آهنگ تورم ممکن است مؤثر باشد، بسته به اینکه کسر بودجه دولت و بخش عمومی به طور کلی چقدر افزایش یابد و نرخ بازده چه باشد، زیرا اگر بازده تسهیلات بانکی برای وام‌گیران از نرخ کارمزد بیشتر باشد، شاید در تقاضا برای تسهیلات کاهش عمده‌ای صورت نگیرد.

در پایان عرایضم باید تاکید کنم آنچه در این گفتار به عنوان راه حل مطرح کردم اقداماتی موقت است. نمی‌توان برای مدتی مدید زیان سپرده‌گذار را با سهام شرکتهای سرمایه‌گذاری جبران کرد. و نمی‌توان برای مدتی مدید از وام‌گیران کارمزدی کلان گرفت زیرا خدا می‌داند بر سرمایه‌گذاری چه خواهد رفت.

برای احقاق حق سپرده‌گذاران و احقاق حق خود بانکها که با اعطای تسهیلات به وام‌گیران کمتر

از آنچه پرداخته‌اند پس می‌گیرند باید با خود تورم مبارزه کرد. در شرایط تورم شدید، سیاستهای پولی، خاصه اگر بانک مرکزی دستش باز نباشد، کارساز نیست و باید به سیاستهای مالی، و مخصوصاً کاهش هزینه بخش عمومی روی آورد، و فقط در آن صورت است که سیاستهای پولی می‌تواند مؤثر باشد.

متشکرم

جدول ۱ - محاسبه قدرت خرید صد هزار تومان سپرده پنج ساله
از ۱۳۷۰ تا پایان ۱۳۷۴

سود حقیقی	شاخص کالا و خدمات مصرفی سود پولی	(۱۰۰ = ۱۳۶۹)	
تومان $\frac{۱۵,۰۰۰}{۱۲۰,۷} = ۱۲,۴۲۸$	۱۵,۰۰۰	۱۲۰,۷	۱۳۷۰
تومان $\frac{۱۵,۰۰۰}{۱۵۰,۱} = ۹,۹۹۳$	۱۵,۰۰۰	۱۵۰,۱	۱۳۷۱
تومان $\frac{۱۶,۰۰۰}{۱۸۴,۴} = ۸,۶۷۷$	۱۶,۰۰۰	۱۸۴,۴	۱۳۷۲
تومان $\frac{۱۶,۰۰۰}{۲۴۹,۳} = ۶,۴۱۸$	۱۶,۰۰۰	۲۴۹,۳	۱۳۷۳
تومان $\frac{۱۸,۵۰۰}{۳۷۲,۵} = ۴,۹۶۶$	۱۸,۵۰۰	۳۷۲,۵	۱۳۷۴
تومان $\frac{۱۰۰,۰۰۰}{۳۷۲,۵} = ۲۶,۸۴۶$	اصل سپرده		
۶۹,۳۲۸	جمع		
تومان ۳۰,۶۷۲	زیان سپرده گذار		

ماخذ: بانک مرکزی - محاسبه از من است

جدول ۲ - محاسبه قدرت خرید صد هزار تومان وام پنج ساله از ۱۳۷۰ تا پایان ۱۳۷۴

کارمزد حقیقی	شاخص کالا و خدمات مصرفی کارمزد تسهیلات	(۱۰۰ = ۱۳۶۹)	
تومان $\frac{۲۵,۰۰۰}{۱۲۰,۷} = ۲۰,۷۱۳$	۲۵,۰۰۰	۱۲۰,۷	۱۳۷۰
تومان $\frac{۲۵,۰۰۰}{۱۵۰,۱} = ۱۶,۶۵۶$	۲۵,۰۰۰	۱۵۰,۱	۱۳۷۱
تومان $\frac{۲۵,۰۰۰}{۱۸۴,۴} = ۱۳,۵۵۷$	۲۵,۰۰۰	۱۸۴,۴	۱۳۷۲
تومان $\frac{۲۵,۰۰۰}{۲۴۹,۳} = ۱۰,۰۲۸$	۲۵,۰۰۰	۲۴۹,۳	۱۳۷۳
تومان $\frac{۲۵,۰۰۰}{۳۷۲,۵} = ۶,۷۱۲$	۲۵,۰۰۰	۳۷۲,۵	۱۳۷۴
تومان $\frac{۱۰۰,۰۰۰}{۳۷۲,۵} = ۲۶,۸۴۶$	اصل وام		
۹۴,۵۱۲	جمع		
تومان ۵,۴۸۸	زیان بانک		

ماخذ: بانک مرکزی - محاسبه از من است

جدول ۳- محاسبه میانگین نرخ سود سپرده‌های بلندمدت

میانگین	یک ساله دو ساله سه ساله پنج ساله جمع حاصل ضربها			
	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)
				۱۳۷۰-
	۱۴٫۳	۱۱٫۵	۱۰٫۵	۹
	۵۴٫۶	۴٫۴	۸٫۹	۳۲٫۱
نرخ ضرب در سهم نسبی	۷۶۴٫۴	۵۰٫۶۰	۹۳٫۴۵	۲۸۸٫۹
$\frac{1197,35}{100} = 11,97 \approx 12$	۱۱۹۷٫۳۵			
				۱۳۷۱-
	۱۴	۱۱٫۵	۱۰٫۵	۱۰
	۶۵٫۲	۵٫۶	۸٫۳	۲۱٫۲
نرخ ضرب در سهم نسبی	۹۱۲٫۸	۶۴٫۴	۸۴٫۳	۲۱۲٫۳
$\frac{1273,2}{100} = 12,73 \approx 13$	۱۲۷۳٫۲			
				۱۳۷۲-
	۱۶٫۳	۱۴٫۵	۱۳٫۵	۱۱٫۵
	۷۰٫۱	۵٫۴	۷٫۱	۱۷٫۴
نرخ ضرب در سهم نسبی	۱۱۲۱٫۶	۷۸٫۳۰	۹۵٫۸۵	۲۰۰٫۱
$\frac{1495,85}{100} = 14,96 \approx 15$	۱۴۹۵٫۸۵			
				۱۳۷۳-
	۱۶٫۳	۱۴٫۵	۱۳٫۵	۱۱٫۵
	۷۱٫۳	۵٫۳	۶٫۷	۱۷٫۳
نرخ ضرب در سهم نسبی (تخمین)	۱۱۴۰٫۸	۷۲٫۵	۹۰٫۴۵	۱۹۵٫۵
$\frac{1499,25}{100} = 14,99 \approx 15$	۱۴۹۹٫۲۵			
				۱۳۷۴-
	۱۸٫۵	۱۶٫۳	۱۵٫۳	۱۴٫۳
	۷۱٫۹	۴٫۸	۶٫۵	۱۶٫۸
نرخ ضرب در سهم نسبی (تخمین)	۱۳۳۰٫۱۵	۷۶٫۸	۹۷٫۵	۲۳۵٫۲
$\frac{1739,65}{100} = 17,40 \approx 17$	۱۷۳۹٫۶۵			

ماخذ: گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای سال ۱۳۷۲ ص ۱۵۰ و نماگر اقتصادی سه ماهه چهارم ص

۱۳ محاسبه از من است.

جدول‌های ۴ - محاسبه میانگین نرخ سود کوتاه مدت و بلندمدت
بر اساس سهم نسبی این سپرده‌ها

۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	
					۱- سهم نسبی سپرده‌های کوتاه‌مدت
۵۲,۹۰	۵۳,۷	۵۴,۱	۵۵,۵	۵۸,۵	در کل سپرده‌های سرمایه‌گذاری
۴۷,۱۰	۴۶,۳	۴۵,۹	۴۴,۵	۴۱,۵	۲- سهم نسبی بلندمدت در کل
۸-	۸-	۸-	۷,۵	۶,۵	۳- سود بانکی کوتاه‌مدت
۱۷,۴	۱۴,۹۹	۱۴,۹۶	۱۲,۷۳	۱۱,۹۷	۴- میانگین سود بانکی بلندمدت
۴۲۳,۲	۴۲۹,۶	۴۳۲,۸	۴۱۶,۲	۳۸۰,۲	۵- ۳×۱
۸۱۹,۵۴	۶۹۴,-	۶۸۶,۷	۵۶۶,۵	۴۹۶,۸	۶- ۴×۲
۱۲۴۲,۷۴	۱۱۲۳,۶	۱۱۱۹,۵	۹۸۲,۷	۸۷۷,-	۷- ۵+۶
					۸- $\frac{۷}{۱۰۰}$
۱۲,۴۲=۱۲	۱۱,۲=۱۱	۱۱,۲=۱۱	۹,۸=۱۰	۸,۸≈۹	میانگین کل

ماخذ: بانک مرکزی، خلاصه تحولات اقتصادی کشور ۱۳۷۳، ص ۶۵، ناشرهای اقتصادی، سه ماهه سوم ۱۳۷۴، ص ۱۳، جدول ۳ محاسبه از من است.

جدول ۵- نسبت سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت به هزینه ناخالص داخلی
(ارقام به میلیارد ریال) ۱۳۶۹ - ۱۳۷۳

جمع سپرده‌های مدت‌دار	سپرده‌های بلندمدت	سپرده‌های کوتاه‌مدت	هزینه ناخالص داخلی	(ارقام داخل پرانتز درصد سپرده‌ها نسبت به هزینه ناخالص داخلی است)
۹,۶۹۴,۷	۳,۷۴۹,۶	۵,۹۴۵,۱	۳۶,۶۴۴,۶	۱۳۶۹
(۲۶,۴۵)	(۱۰,۲۳)	(۱۶,۲۲)		
۱۱,۷۳۹,۶	۴,۹۲۹,۷	۶,۸۰۹,۹	۵۰,۱۰۷,۴	۱۳۷۰
(۲۳,۴۳)	(۹,۸۴)	(۱۳,۵۹)		
۱۴,۶۴۶,۷	۶,۵۳۰,۹	۸,۱۱۵,۸	۶۶,۴۶۲,۵	۱۳۷۱
(۲۲,۰۴)	(۹,۸۳)	(۱۲,۲۱)		
۱۹,۰۵۲,۸	۸,۷۴۸,۸	۱۰,۳۰۴,۳	۹۳,۶۰۹,۹	۱۳۷۲
(۲۰,۳۶)	(۹,۳۵)	(۱۱,۰۱)		
۲۲,۵۱۶,۹	۱۰,۴۳۲,۶	۱۲,۰۸۴,۳	۱۲۸,۳۸۱,۹	۱۳۷۳
(۱۷,۵۴)	(۸,۱۳)	(۹,۴۱)		
۲۸,۴۱۶,۹	۱۳,۳۸۳,۶	۱۵,۰۳۳,۳	۱۸۴,۱۸۵,۵	۱۳۷۴
(۱۵,۴۳)	(۷,۲۷)	(۸,۱۶)		

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول ۶- نسبت سپرده‌های مدت‌دار به نقدینگی ۱۳۶۹-۱۳۷۴ (ارقام به میلیارد ریال)

جمع سپرده‌های مدت‌دار	سپرده‌های بلندمدت	سپرده‌های کوتاه‌مدت	نقدینگی	(ارقام داخل پرانتز درصد سپرده‌ها نسبت به نقدینگی است)
۹,۶۹۴,۷	۳,۷۴۹,۶	۵,۹۴۵,۱	۲۲,۹۶۹,۵	۱۳۶۹
(۴۲,۲۰)	(۱۶,۳۲)	(۲۵,۸۸)		
۱۱,۷۳۹,۶	۴,۹۲۹,۷	۶,۸۰۹,۹	۲۸,۶۲۸,۴	۱۳۷۰
(۴۱-)	(۱۷,۲۱)	(۲۳,۷۹)		
۱۴,۶۴۶,۷	۶,۵۳۰,۹	۸,۱۱۵,۸	۳۵,۸۶۶,۰	۱۳۷۱
(۴۰,۸۴)	(۱۸,۲۱)	(۲۲,۶۳)		
۱۹,۰۵۲,۸	۸,۷۴۸,۸	۱۰,۳۰۴,۰	۴۸,۱۳۵,۰	۱۳۷۲
(۳۹,۵۸)	(۱۸,۱۷)	(۲۱,۴۱)		
۲۲,۵۱۶,۹	۱۰,۴۳۲,۶	۱۲,۰۸۴,۳	۶۱,۸۴۳,۹	۱۳۷۳
(۳۶,۴۰)	(۱۶,۸۶)	(۱۹,۵۴)		
۲۸,۴۱۶,۹	۱۳,۳۸۳,۶	۱۵,۰۳۳,۳	۸۵,۰۷۲,۲	۱۳۷۴
(۳۳,۴۰)	(۱۵,۷۳)	(۱۷,۶۷)		

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول ۷ - تغییرات سال به سال متغیرهای پولی و هزینه‌های ناخالص داخلی از ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴ (ارقام به میلیارد ریال)

تقدیرنگی (M2)	سپرده‌های قرض الحسنه	سپرده‌های بلند مدت	سپرده‌های کوتاه مدت	(شبه پول)	دیداری	سپرده‌های مسکوک در دست اشخاص	پول (M1)	ارقام داخل پرتتو تغییرات سال به داخلی (جاری)	سال را نشان می‌دهد
۲۲,۹۶۹,۵	۱,۳۹۲,۳	۳,۷۴۹,۶	۵,۹۴۵,۱	۱۱,۷۷۴,۳	۷,۰۷۵,۹	۴,۱۱۹,۳	۱۱,۱۹۵,۲	۳۶,۶۴۴,۶	۱۳۶۹
(۲۲,۵)	(۸,۷)	(۳۵,۸)	(۱۳,۳)	(۲,۰۶)	(۳۲,۴)	(۱۲,۰۱)	(۲۴,۶)	(۳۱,۹)	
۲۸,۶۲۸,۴	۱,۸۶۸,۹	۴,۹۲۹,۷	۶,۸۰۹,۹	۱۴,۹۸۷,۶	۹,۰۶۰,۹	۴,۵۷۹,۸	۱۳,۶۴۰,۸	۵۰,۱۰۷,۴	۱۳۷۰
(۲۴,۶)	(۳۴,۲)	(۳۱,۵)	(۱۴,۵)	(۲۷,۳)	(۲۸,۸)	(۱۱,۱۸)	(۲۱,۸)	(۳۶,۷)	
۳۵,۸۶۶,۶	۲,۴۴۱,۱	۶,۵۳۰,۹	۸,۱۱۵,۸	۱۹,۴۹۷,۴	۱۱,۰۰۹,۳	۵,۳۵۹,۳	۱۶,۳۶۸,۶	۶۶,۶۲۲,۵	۱۳۷۱
(۲۵,۳)	(۳۰,۶)	(۳۲,۵)	(۱۹,۲)	(۳۰,۱)	(۲۱,۵)	(۱۷,۰۲)	(۲۰,۳)	(۳۲,۶)	
۴۸,۱۳۵,۲	۲,۶۸۴,۱	۸,۷۴۸,۸	۱۰,۳۰۴,۲	۲۵,۷۲۲,۳	۱۵,۵۸۰,۷	۶,۸۳۲,۲	۲۲,۴۱۲,۷	۹۳,۶۰۹,۹	۱۳۷۲
(۳۴,۲)	(۹,۹)	(۳۴,۲)	(۲۷,۳)	(۳۱,۹)	(۴۱,۵)	(۲۷,۴۸)	(۳۶,۹)	(۴۰,۸)	
۶۱,۸۴۲,۹	۳,۴۴۴,۷	۱۰,۴۳۲,۶	۱۲,۰۸۴,۳	۳۱,۴۱۲,۱	۲۱,۷۳۱,۲	۸,۷۰۰,۶	۳۰,۴۳۱,۸	۱۲۸,۳۸۱,۹	۱۳۷۳
(۲۸,۵)	(۳۰,۲)	(۱۹,۲)	(۱۷,۳)	(۲۲,۱)	(۳۹,۵)	(۲۷,۳۵)	(۳۵,۸)	(۳۷,۱)	
۸۵,۰۷۲,۲	۴,۶۱۶,۳	۱۳,۳۸۳,۶	۱۵,۰۳۳,۳	۴۴,۱۰۴,۹	۳۰,۲۹۴,۳	۱۰,۶۷۳,۲	۴۰,۹۶۷,۳	۱۸۴,۱۸۵,۵	۱۳۷۴
(۳۷,۶)	(۴۲,۰۹)	(۲۸,۳)	(۲۴,۴)	(۴۰,۴)	(۳۹,۴)	(۲۲,۶۷)	(۳۴,۶)	(۴۳,۵)	

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول ۸ - محاسبه نرخ حقیقی سود بانکی برای سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت

۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	
					۱- شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی (۱۳۶۹ = ۱۰۰)
۳۷۲٫۵	۲۴۹٫۳	۱۸۴٫۴	۱۵۰٫۱	۱۲۰٫۷	۲- نرخ سود بانکی کوتاه مدت
۸-	۸-	۸-	۷٫۵	۶٫۵	۳- نرخ حقیقی سود بانکی کوتاه مدت
۲٫۱	۳٫۲	۴٫۳	۵-	۵٫۴	۴- میانگین نرخ سود بانکی بلندمدت
۱۷	۱۵	۱۵	۱۳	۱۲	۵- نرخ حقیقی بلندمدت (میانگین)
۴٫۶	۶-	۸٫۱	۸٫۷	۹٫۹	۶- میانگین نرخ مدت‌دار
۱۲	۱۱	۱۱	۱۰	۹	۷- نرخ حقیقی مدت‌دار (میانگین)
۳٫۲	۴٫۴	۶-	۶٫۷	۷٫۵	

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول ۱ و ۲ از همین گزارش